

بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در هشت کشور بزرگ اسلامی

دکتر حسن حیدری^۱

دانشیار اقتصاد دانشگاه ارومیه

رقیه علی نژاد^۲

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه ارومیه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۶

چکیده

از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه، قرار گرفتن در مسیر رشد و توسعه یافتگی است. مرور ادبیات رشد اقتصادی نشان می‌دهد که کیفیت نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه از عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. بسیاری از تحلیلگران نیز بر این باورند که در بین عوامل نهادی، حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام مناسب برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است. هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت (D-8) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ است. بدین منظور از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل، با رد فرضیه خطی بودن، یک مدل دو رژیم با حد آستانه‌ای ۰/۵۱۱- را برای شاخص حاکمیت قانون در کشورهای تحت بررسی پیشنهاد می‌نماید. نتایج مطالعه حاکی از تأثیرگذاری مثبت شاخص حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی، البته با شدت بیشتر در رژیم دوم می‌باشد. نتایج هم‌چنین نشان می‌دهند که متغیرهای مخارج تحصیل و صادرات مواد خام کشاورزی در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. سایر نتایج نیز حاکی از معنی‌داری ضریب تأثیرگذاری مثبت شاخص توسعه مالی و شاخص باز بودن اقتصاد و نیز تأثیرگذاری منفی نرخ تورم در هر دو رژیم می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: متغیرهای نهادی، حاکمیت قانون، رشد اقتصادی، مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR)

طبقه‌بندی JEL: O43, K0, C23

An Investigation of the Impact of Institutional Variable of Rule of Law on Economic Growth in D-8 Countries

Hassan Heidari

*Associate Professor of Economics,
Urmia University*

Roghayeh Alinezhad

M.A. in Economics, Urmia University

Received: 7 dec 2013

Accept: 27 apr 2014

Abstract

The main challenge of developing countries, is achieving growth and development. Review of economic growth literature shows that the quality of institutions and social infrastructure are important factors that influence the economic growth and development. Also many analysts believe that between institutional factors, the rule of law is one of the most elements for appropriate system for investment and economic growth. This study aims to investigate the impact of institutional variable of rule of law on economic growth in D-8 countries over the period 1996-2012. For this purpose, the paper uses the Panel Smooth Transition Regression (PSTR) model. The estimation results of model reject the linearity hypothesis, and estimate a model with two regimes that gives a threshold at rule of law of -0.511 for under review countries. The study results indicate rule of law index has a positive impact on economic growth that its impact is increased in the second regime. Moreover the results indicate education expenditures and agricultural raw materials exports variables have a negative impact in first regime and positive impact in second regime on economic growth. Also other results indicate the financial development index and openness index have a positive impact and inflation rate has a negative impact on economic growth in two regimes.

Keywords: Institutional Variables, Rule of Law, Economic Growth, Panel Smooth Transition Regression (PSTR) Model

JEL Classification: O43, K0, C23

۱- مقدمه

حفظ و بهبود رشد اقتصادی یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاددانان در هر برهه زمانی به ویژه در دهه‌های اخیر بوده است. در همین راستا محققان اقتصادی همواره سعی در یافتن پاسخ برای علل وجود تفاوت‌های قابل ملاحظه در درآمد سرانه و رشد اقتصادی و نیز چرایی به کارگیری سیاست‌های مختلف کشورها در راستای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بوده‌اند. تجربه شکست سیاست‌های تعدیل ساختاری با تبیین این موضوع که رویکرد اقتصاد متعارف پاسخگوی مسائل نوین پیش روی کشورها نیست، موجب شد که اقتصاددانان توجه خود را به نقش عوامل نهادی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها معطوف نمایند. به عقیده اقتصاددانان نهادگرا، در جهان معاصر مهم‌ترین عامل مؤثر بر رشد اقتصادی، نهادها هستند. یکی از مهم‌ترین متغیرهای نهادی نیز که تأثیر انکارناپذیری بر عملکرد اقتصاد دارد، حاکمیت قانون است. امروزه بیشترین توجه حقوقدانان و دیگر اندیشمندان در زمینه‌های سیاست و اقتصاد، معطوف به حاکمیت قانون شده است. هم‌چنین این ادعا مورد توافق همگان واقع شده است که تا زمانی که حاکمیت قانون در کشور برقرار نگردد، آن نظام، نظامی حقوقی به معنای امروزی محسوب نمی‌شود. بدین جهت است که امروزه حاکمیت قانون بیش از پیش مورد توجه همگان است. از دیگر سو، به دلیل آن که تنظیم روابط میان دولت و شهروندان و نیز شهروندان با یکدیگر، مهم‌ترین کارکرد قانون است، با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن تعاملات ذکر شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. هم‌چنین، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که توجه به اصل حاکمیت قانون و پیامدهای آن، یکی از عناصر اساسی حکمرانی خوب^۱ شمرده شده که از مفاهیم مطرح در نهادهای بین‌المللی فعال در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است. امروزه اعتقاد عمومی بر آن است که رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در گرو حکومتی خوب است که مطابق با اصول مشارکت دموکراتیک، قدرت نهادینه شده را به نحو مشروع اعمال نموده و بر اساس قانون حکومت کند. با این وجود، هم‌چون دیگر مفاهیم ضروری برای رویکردی میان رشته‌ای به موضوعات و مسائل موجود در نظام سیاسی، حاکمیت قانون نیز علی‌رغم کثرت

1- Good Governance

استفاده در نوشته‌ها و بیانیه‌ها، به نحو علمی و شایسته مورد بررسی قرار نگرفته است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل عدم وجود آثاری به فارسی در این زمینه، جایگاه مفهوم حاکمیت قانون به عنوان مفهومی در ناحیه سایه روشن چند شاخه از رشته‌های مختلف باشد. چرا که به عقیده حقوقدانان، حاکمیت قانون یکی از مبانی حقوقی هست و اقتصاددانان نیز به اهمیت حاکمیت قانون برای رشد اقتصادی واقف‌اند و به همین ترتیب دیگر صاحب‌نظران علوم انسانی نیز چنین عقیده‌ای را دارند. لیکن تحلیل دقیق مفاهیمی همچون حاکمیت قانون و تأثیر آن بر اقتصاد توسط هیچ کدام از این صاحب‌نظران انجام نگرفته است. لذا به دلیل مهجور ماندن بررسی تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در ادبیات تأثیر نهادها بر متغیرهای کلان اقتصادی، می‌توان عنوان نمود که انجام چنین مطالعاتی در این زمینه و به‌ویژه با تأکید بر روش‌های نوین اقتصادسنجی، ضروری به نظر می‌رسد. گفتنی است که اکثر مطالعات صورت گرفته به بررسی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی، آن هم از رهیافت مدل‌های خطی پرداخته و روابط غیر خطی محتمل بین این متغیرها را نادیده انگاشته‌اند. در بررسی روابط خطی نیز عمدتاً از الگوی داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت یا تصادفی استفاده گردیده که این شیوه‌ی بررسی مشکل ناهمگنی موجود در داده‌ها را نادیده گرفته و به ارائه یک ضریب یکسان و مشابه برای تمام مقاطع اکتفا می‌نماید. این در حالی است که ساختار اقتصادی و تولیدی کشورها متفاوت بوده و بعید بنظر می‌رسد که تمامی کشورها از یک الگوی کاملاً یکسان و مشخصی تبعیت کنند. هم‌چنین با اذعان به این نکته که گروه (D-8)^۱ به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه اسلامی و تقویت نفوذ این گروه در بازارهای جهانی تشکیل گردیده و نیز نقش انکارناپذیر این گروه در وضعیت اقتصادی جهان اسلام و از همه مهم‌تر برجسته بودن نقش نهادها به‌طور عام و حاکمیت قانون بطور خاص در این کشورها در عملکرد اقتصادی آن‌ها، ضرورت انجام مطالعاتی در خصوص رابطه حاکمیت قانون و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی این کشورها را ایجاب می‌نماید. از این رو مطالعه حاضر، با استفاده از رویکرد مدل‌های رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR)^۲، تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه (D-8) را طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۶

1- Developing 8 (D-8)

2- Panel Smooth Transition Regression (PSTR)

بررسی می‌نماید تا علاوه بر پوشش دادن تنوع و تفاوت نتایج مطالعات پیشین صورت گرفته، نتایج قابل اتکاءتری نیز حاصل گردد، چرا که مدل PSTR می‌تواند رابطه غیر خطی و آستانه‌ای میان متغیرها را با استفاده از تابع انتقال و مشاهدات متغیر آستانه‌ای به شیوه‌ای پیوسته مدل سازی کند. هم‌چنین در مدل PSTR با توجه به مشاهدات متغیر آستانه‌ای و پارامتر تعدیل، ضرایب تخمینی در طول زمان و نیز برای مقاطع مختلف تغییر می‌یابند.

در ادامه مقاله و در بخش دوم مبانی نظری ارائه گردیده است. بخش سوم، مروری بر پیشینه تحقیق دارد. بخش چهارم، مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی را تبیین می‌نماید. در بخش پنجم، یافته‌های تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نهایتاً در بخش ششم جمع بندی و نتیجه‌گیری از پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم حاکمیت قانون

در حال حاضر حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در حوزه حقوق عمومی به ویژه حقوق اساسی شناخته شده و ارزشی جهان‌شمول دارد و حتی یکی از محک‌های ارزیابی نظام‌های حقوقی و سیاسی است. به طوری که هر نظام سیاسی و حقوقی در زمینه اوصاف حاکمیت قانون در مقام پاسخ‌گویی و ارزیابی قرار گرفته است. بی‌شک اصل حاکمیت قانون، سنگ‌زیرین روابط بین دولت و ملت به شمار می‌آید. به گونه‌ای که این اصل، الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل قانون اساسی‌گرایی^۱، قانونیت^۲، صلاحیت^۳، مسئولیت^۴، پاسخ‌گویی^۵، کنترل قضایی^۶ و تفکیک قوا^۷ و دیگر اصول و مفاهیم مرتبط است که به نوبه خود، بنیان حقوق اساسی و حقوق اداری و به تعبیری کلیه گرایش‌های حقوق عمومی را شکل می‌دهند

1- Constitutionalism

2- Legality

3- Jurisdiction

4- Responsibility

5- Accountability

6- Judicial Review

7- Separation of Powers

(Markazmalmiri, 2006). از سوی دیگر، از آنجا که مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و مردم از طرفی و مردم با یکدیگر است، با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون برجسته‌تر و قابل ملاحظه شده است. از دید حقوقی، حاکمیت قانون یکی از مبانی حقوق تلقی می‌شود و اصل قانونی بودن جرایم، مجازات‌ها و دادرسی، متکی به حاکمیت قانون است. از نقطه نظر اقتصادی، اهمیت حاکمیت قانون برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار، انکارناپذیر است. از یک دیدگاه، حاکمیت قانون را می‌توان در پرتو اصل تفکیک قوا و به طور مضیق تعبیر و آن را ناظر بر مصوبات نهاد قانون‌گذاری یا پارلمانی دانست. در این مفهوم، قانون مبین حاکمیت و اراده ملی، بیان اراده آزاد و رسمی عموم است که از طریق نهاد قانون‌گذاری که خود تجلی اراده ملت و آینده‌ی تمام‌نمای آن است، عرضه و ارائه می‌شود (Hashemi, 2001).

«قانون را به مفهوم عام آن نیز می‌توان به کار برد. در این مفهوم قانون ضوابط عام و کلی است که برای همگان به طور مساوی ایجاد حق و تکلیف می‌کند، حد و مرز اعمال تابعان قانون را مشخص می‌نماید و به تنظیم روابط افراد، گروه‌ها و جامعه مدنی می‌پردازد» (Hashemi, 1998). مفهوم حاکمیت قانون، نفی حکومت شخص و تأکید بر حکومت قانون است. این امر به معنی مغایرت اتخاذ تصمیمات به نحو خودسرانه و هوسبازانه است (Markazmalmiri, 2006)؛ اما از آنجایی که قوانین همواره نیاز به تفسیر دارند، نقش افراد را نمی‌توان نادیده انگاشت. حاکمیت قانون بر این موضوع تأکید دارد که هر شخصی صرف‌نظر از درجه و مقامش در اجتماع باید تابع قانون باشد و قوانین به‌طور مساوی در مورد همه صرف‌نظر از طبقه و قومیت و مذهب اعمال شود و برای ارگان‌های دولتی نیز الزام‌آور باشد؛ به نحوی که هیچ‌کس مافوق قانون نباشد.

حاکمیت قانون هم تکلیف شهروندان به عمل کردن مطابق قانون است و هم جنبه حمایتی از شهروندان را شامل می‌شود. دولت باید تابع قانون بوده و مطابق قانون عمل کند و برای حمایت از حقوق شهروندان از رفتار مستبدانه و سوء استفاده از قدرت خودداری و جلوگیری کند. می‌توان گفت شالوده تمام قانون‌های اساسی بر حاکمیت قانون استوار است و نتیجه‌بخش بودن آنها در گرو حاکمیت قانون است. در واقع حاکمیت قانون چارچوبی برای همکاری اجتماعی میان افراد جامعه است و موقعیتی را ایجاد می‌کند که در آن شهروندان و مقامات، رفتار خود را با قواعد شناخته شده عمومی، که پذیرفته شده و برای همگان الزام‌آور است، تنظیم و کنترل می‌نمایند. در

نهایت نیز این مردم یک کشور هستند که با رعایت قانون باعث اجرای هر چه بهتر حاکمیت قانون می‌شوند. حاکمیت قانون موجب ایجاد نظم در جامعه می‌شود که به منظور حفاظت از جان و مال شهروندان ضروری می‌باشد و در واقع شیوه اصلی حفظ حقوق بشری محسوب می‌شود که اغلب از سوی یک جامعه ناامن مورد تهدید قرار می‌گیرد. با اجرای حاکمیت قانون می‌توان به ثبات و امنیتی دست یافت که زمینه‌ساز صلح پایدار است. هر آنچه که تهدیدی نسبت به صلح محسوب می‌شود، به نوعی ریشه در نقض حاکمیت قانون دارد. نقض حاکمیت قانون که تهدید صلح و امنیت جهانی را در بر دارد، از طرفی ممکن است منتج به درگیری‌ها و جنگ‌های بین‌المللی شود و از سوی دیگر باعث پیدایش حکومت‌های دیکتاتور و خشونت‌های داخلی، عدم ثبات اقتصادی، فقر و بی‌عدالتی شود.

۲-۲- حاکمیت قانون و رشد اقتصادی

سازمان ملل، در تعریف حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره داشته و پاسخ‌گو بودن در برابر قوانین را برای همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی که شامل خود دولت نیز هست، الزامی می‌داند. قوانینی که به‌طور عمومی منتشر شده‌اند، به‌طور مساوی اجرا می‌شوند، به‌طور مستقل حاکم می‌شوند و ضمناً با حقوق بشر بین‌المللی نیز سازگار هستند. بانک جهانی نیز حاکمیت قانون را محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش تعریف کرده و معتقد است که حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون (Sameti et al, 2011).

حاکمیت قانون از طریق کانال‌هایی، رشد اقتصادی را متأثر می‌نماید. کانال اول، حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. توضیح نحوه اثرگذاری حاکمیت قانون از طریق این کانال بر رشد اقتصادی بدین صورت است که هرچه حقوق مالکیت پیشرفته‌تر باشد، انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود. زیرا مالکان به حصول سود سرمایه‌گذاری‌های خود در آینده مطمئن خواهند بود. هم‌چنین، زمانی که افراد اختیار دارایی خود را داشته باشند می‌توانند بر روی آن‌ها تجارت کنند. حسن اجرای قراردادها نیز با ایجاد اعتماد بیشتر در سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی، به تسریع رشد اقتصادی کمک می‌نماید. وقتی احتمال دارد شریک تجاری افراد که

ممکن است دولت نیز باشد، از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش یافته و تولید کاهش خواهد یافت (Haggard et al, 2008). هم‌چنین، حاکمیت قانون از طریق توسعه بازارها، رشد اقتصادی را متأثر می‌نماید، چرا که قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می‌کنند و هر مبادله-ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشندگان می‌باشد. هم‌چنین وجود سازوکارهای اجرای قراردادها از جمله قوانین صریح قابل پیش‌بینی، شفافیت در روش‌ها و اجرای بی‌طرفانه قوانین نیز برای توسعه بازارها ضروری است (Hasan, 2010) و نهایتاً حاکمیت قانون می‌تواند از طریق تشویق کارآفرینی و توسعه کسب و کار نیز بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. در کشورهایی که حاکمیت قانون اجرا می‌شود، موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می‌گردد، اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن‌ها اجرا نمی‌شود، موانع زیادی برای کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیر قانونی به یک کسب و کار منسجم وجود دارد و اکثریت کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیر رسمی مشغولند (Stolper et al, 2006).

۳- مروری بر پیشینه تحقیق

Haggard et al (2008) در مطالعه‌ای با عنوان «حاکمیت قانون و توسعه اقتصادی» اظهار نموده‌اند که حاکمیت قانون در مفاهیم مختلفی از قبیل امنیت، عملیات دادگاه‌ها و اجرای عدالت استفاده می‌گردد. به نظر ایشان، امنیت حقوق مالکیت و درستی اجرای قراردادها از طریق تأثیر بر سرمایه‌گذاری و تجارت می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی را متأثر نمایند. در بررسی ارتباط بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی، Haggard (2010) نیز به این نتیجه رسیده است که ارتباط میان شاخص‌های حاکمیت قانون در کشورهای پیشرفته و صنعتی بسیار بالاتر از کشورهای در حال توسعه است. هم‌چنین، به کار بردن شاخص‌های کلی حاکمیت قانون بهتر از اجزای گسسته شاخص حاکمیت قانون می‌تواند رابطه آن با رشد اقتصادی را نشان دهند. در پاکستان نیز، Hasan (2010) در بررسی رابطه بین حاکمیت قانون، توسعه قانونی و رشد اقتصادی، بیان نموده است که حاکمیت قانون و سیستم‌های قانونی قوی پیش‌شرط توسعه پایدار می‌باشند و ضعف نسبی آنها در جهان در حال توسعه به‌عنوان مانع اصلی رشد اقتصادی می‌باشد.

هم‌چنین، تقویت حاکمیت قانون و سیستم‌های قانونی به یک استاندارد در جامعه در حال توسعه تبدیل شده است. نتایج مطالعه وی حاکی از آن است که در سال‌های اخیر، پاکستان بیش از حد شاهد افزایش تقاضا برای حاکمیت قانون بوده و به همین خاطر سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در این زمینه صورت گرفته است. سایر نتایج نیز بیانگر آن است که با توجه به وجود کاستی‌های قانونی در پاکستان، موانع قابل توجهی برای رشد و توسعه بازار در این کشور وجود دارند.

نتایج مطالعه Haggard and Tiede (2011) نیز در خصوص اثرات حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی، با تأکید بر این نکته که حاکمیت قانون، مفاهیمی چون امنیت فردی، حقوق مالکیت، کنترل دولت و کنترل فساد را در بر می‌گیرد، بیانگر آن است که ارتباط بین اجزای مختلف حاکمیت قانون در میان کشورهای در حال توسعه، محدود نیست و برخی نتایج در مورد اثرات حفاظت از حقوق مالکیت امکان دارد موجه نباشد.

Xu (2011) در بررسی رابطه بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی برای سه گروه کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط و پر درآمد، نتیجه گرفته است که حاکمیت بالاتر قانون، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

Krever (2011) در مطالعه‌ای در خصوص حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه به این نتایج دست یافته است که اگر حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی صورت نگیرد، قراردادها به درستی اجرا نشده و قابلیت پیش‌بینی ندارند و اجرای قضایی غیر قابل اعتماد است، بخش خصوصی از اجرای قواعد بازی توسط دولت اطمینان حاصل نخواهد کرد و به سبب وجود نوسانات و نااطمینانی در منایع و محیط، سرمایه‌گذاری توسط کارآفرینان تقلیل خواهد نمود و در نتیجه آن، رشد اقتصادی کاهش پیدا خواهد کرد. لذا حاکمیت قانون به‌عنوان تسهیل‌کننده عملکرد بخش خصوصی و ایجادکننده انگیزه برای عوامل اقتصادی، ضروری می‌باشد.

در چین نیز Yi Man Li and Lut Li (2013) در بررسی رابطه بین قانون و رشد اقتصادی، اظهار نموده‌اند با وجود اینکه لازمه افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، وجود سیستم حقوقی خوب، حفاظت از حقوق مالکیت و کاهش در هزینه‌های مبادلاتی است، با این حال، در کشور چین علی‌رغم وجود یک سیستم حقوقی ضعیف، رشد اقتصادی بالاست. لذا، آنها تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چرا مقررات و قواعد رسمی در چین همبستگی زیادی با رشد اقتصادی ندارند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که نگرش مردم نسبت به سیستم‌های غیر رسمی و

سبک چینی‌ها در اجرای قانون می‌تواند با پاسخ این سؤال مرتبط باشد. با این وجود، هم‌چنان که اقتصاد چین رشد می‌کند، هزینه‌های مبادلاتی افزایش خواهد یافت اگر بیش از حد به سیستم‌های حقوقی خوبی که برای اطمینان از رشد اقتصادی پایدار مورد نیازند، تکیه گردد.

از آنجایی که در داخل کشور هیچ مطالعه‌ای در خصوص رابطه بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی انجام نگردیده و تنها مطالعاتی که در بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر رشد اقتصادی، تأثیر شاخص حاکمیت قانون را نیز برآورد کرده‌اند، در این قسمت آورده می‌شوند. این مطالعات شامل مطالعات Komijani and Baradaran Shoraka and Malekossadati (2008)؛ Salatin (2009)؛ Mobarak and Isazadeh and Ahmadzadeh (2009)؛ Azarpeyvan؛ Shahabadi and Pourjavan (2010)؛ Komijani and Salatin (2010)؛ Nadiri and Mohammadi (2011) و Shahabadi and Pourjavan (2012) می‌باشند که به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی که شاخص حاکمیت قانون نیز جزو این شاخص‌هاست، بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها پرداخته‌اند. در این مطالعات از روش‌ها و مدل‌های خطی استفاده شده و نتایج مشابهی برای گروه کشورهای مختلف که حاکی از تأثیر مثبت و معنادار شاخص‌های حکمرانی خوب بالاخص شاخص حاکمیت قانون بر رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد، به دست آمده است.

در حالت کلی، جمع‌بندی مطالعات پیرامون موضوع نشان می‌دهد که تمامی مطالعات داخلی در قالب بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی، به بررسی تأثیر شاخص حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند، ولی در برخی مطالعات خارجی مستقیماً به بررسی تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. با این حال در تمامی این مطالعات نیز از رهیافت الگوهای خطی استفاده شده که به دلیل وجود احتمال بسیار در مورد ناهمگنی^۱ داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف، با نادیده گرفتن این مسئله و انتخاب اثرات گروهی داده‌های تابلویی و نیز با استفاده از روش‌های اثرات ثابت و تصادفی، به تخمین مدل مورد مطالعه پرداخته‌اند که این مسئله، برآوردهای رگرسیونی کاذب را به دنبال دارد. زیرا ارائه یک پارامتر ثابت و مشابه برای توضیح رفتار تولید ناخالص داخلی و شاخص حاکمیت قانون در کشورهای مختلف و به طور خاص برای

1- heterogeneity

کشورهایی که سطوح درآمدی و ساختار اقتصادی آن‌ها بسیار متفاوت است، چندان معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد. لذا با هدف پر کردن خلأ مطالعاتی در خصوص تعیین رابطه بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی حداقل در داخل کشور و نیز بررسی وجود رابطه غیر خطی بین متغیرهای مدل، می‌توان نتایج قابل اتکاءتری را ارائه نموده و مشکلات موجود در مطالعات قبلی در این خصوص را مرتفع کرد.

۴- روش‌شناسی پژوهش: مدل PSTR

تبیین مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) و مراحل تخمین آن در این بخش ارائه می‌گردد. (2005) Gonzalez et al یک مدل PSTR با دو رژیم حدی و یک تابع انتقال را به صورت زیر تصریح می‌نمایند:

$$y_{it} = \mu_i + \beta'_0 x_{it} + \beta'_1 x_{it} g(q_{it}; \gamma, c) + u_{it}, \quad i = 1, \dots, N, \quad t = 1, \dots, T \quad (1)$$

که در آن y_{it} متغیر وابسته، x_{it} برداری از متغیرهای برون‌زا، μ_i اثرات ثابت مقاطع و u_{it} نیز جزء خطا است که $i.i.d. N(0, \sigma_e^2)$ فرض شده است. تابع انتقال $g(q_{it}; \gamma, c)$ نیز یک تابع پیوسته و کراندار بین صفر و یک است که توسط مقدار متغیر آستانه‌ای تعیین می‌شود و به پیروی از (2005) Gonzalez et al به صورت لاجستیکی زیر تصریح می‌گردد:

$$g(q_{it}; \gamma, c) = [1 + \exp(-\gamma \prod_{j=1}^m (q_{it} - c_j))]^{-1}, \quad \gamma > 0, \quad c_1 \leq c_2 \leq \dots \leq c_m \quad (2)$$

در این تابع γ پارامتر شیب و بیانگر سرعت تعدیل از یک رژیم به رژیم دیگر است و q_{it} متغیر انتقال یا آستانه‌ای می‌باشد که بر اساس مطالعه Colletaz and Hurlin (2006) می‌تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از مدل که از حیث مبانی تئوریک در ارتباط با مدل مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیر خطی باشد، انتخاب گردد. همین طور $c = (c_1, \dots, c_m)'$ یک بردار از پارامترهای حد آستانه‌ای یا مکان‌های وقوع تغییر رژیم است.

شکل تعمیم یافته مدل PSTR با بیش از یک تابع انتقال نیز به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$y_{it} = \mu_i + \beta'_0 x_{it} \sum_{j=1}^r [\beta'_j x_{it}] g_j(q'_{it}; \gamma_j, c_j) + u_{it} \quad (3)$$

(2005) Gonzalez et al لحاظ کردن یک یا دو مقدار آستانه‌ای، $m=1$ یا $m=2$ ، را برای

مواجهه با تغییر پذیری پارامترها پیشنهاد می‌کنند. برای $m=1$ ، مدل PSTR بر دو رژیم حدی مرتبط

با مقادیر کمتر و بیشتر از متغیر انتقال (q_{it}) در مقایسه با حد آستانه‌ای (c_1) و با یک تابع انتقال یکنواخت از ضرایب β_0 تا $\beta_0 + \beta_1$ دلالت می‌کند. برای $m=2$ ، تابع انتقال در نقطه $(c_1 + c_2)/2$ به حداقل می‌رسد و مقدار عددی یک را برای مقادیر کمتر و بیشتر متغیر انتقال (q_{it}) لحاظ می‌کند.

در تخمین مدل PSTR اثرات واحدهای مقطعی به وسیله حذف میانگین‌های انفرادی برطرف می‌شود. سپس با استفاده از روش حداقل مربعات غیر خطی (NLS)^۱ که معادل تخمین زن حداکثر راست‌نمایی (ML)^۲ است، تخمین زده می‌شود. اما مطابق مطالعات انجام شده توسط Fok et al (2004)، Gonzalez et al (2005) و Colletaz and Hurlin (2006) در تخمین مدل PSTR ابتدا آزمون خطی بودن در مقابل PSTR انجام می‌شود و در صورت رد فرضیه صفر مبنی بر خطی بودن، باید تعداد توابع انتقال جهت تصریح کامل رفتار غیر خطی موجود میان متغیرها انتخاب شود. برای این منظور، فرضیه صفر وجود یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود حداقل دو تابع انتقال آزمون می‌شود. در صورتی که فرضیه صفر رد نشود، لحاظ کردن یک تابع انتقال جهت بررسی رابطه غیر خطی میان متغیرها کفایت می‌کند. اما در صورتی که فرضیه صفر رد شود، حداقل دو تابع انتقال در مدل PSTR وجود خواهد داشت و در ادامه باید فرضیه صفر وجود دو تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود حداقل سه تابع انتقال آزمون شود. این فرآیند تا جایی باید ادامه یابد که فرضیه صفر پذیرفته شود.^۳

۵- تخمین مدل و نتایج تجربی

این تحقیق به بررسی تأثیر شاخص نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی هشت کشور بزرگ اسلامی در حال توسعه شامل اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ می‌پردازد. متغیرهای مورد استفاده در این مقاله به پیروی از

1- Non-Linear Least Squares (NLS)

2- Maximum Likelihood (ML)

۳- خوانندگان محترم مقاله در صورت تمایل به مطالعه بیشتر راجع به مدل‌های PSTR می‌توانند به Heidari and Saaidpour (2013) و نیز Heidari et al (2014) مراجعه نمایند.

Evrensel (2010) انتخاب شده و در قالب یک حالت کلی از مدل PSTR که در معادله (۳) ارائه شده است، به صورت زیر تصریح می‌گردد^۱:

$$Gy_{it} = \mu_i + \alpha_0 rli_{it} + \beta_0 ledu_{it} + \delta_0 lex_{it} + \theta_0 lfd_{it} + \rho_0 inf_{it} + \varphi_0 lopen_{it} + [\alpha_1 rli_{it} + \beta_1 ledu_{it} + \delta_1 lex_{it} + \theta_1 lfd_{it} + \rho_1 inf_{it} + \varphi_1 lopen_{it}] g(q_{it}; \gamma, c) + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

که در آن، Gy ، rli ، $ledu$ ، lex ، lfd ، inf و $lopen$ بترتیب رشد تولید ناخالص داخلی، شاخص حاکمیت قانون، مخارج تحصیل، صادرات مواد خام کشاورزی، شاخص توسعه مالی، نرخ تورم و شاخص باز بودن اقتصاد هستند.

شاخص حاکمیت قانون استفاده شده در این مطالعه به عنوان معیاری برای سنجش امنیت حقوق مالکیت و عملکرد نظام قضایی، از مجموعه شاخص‌های حکمرانی منتشر شده از سوی بانک جهانی می‌باشد. تدوین کنندگان این شاخص مجموعه عوامل متعددی را مورد بررسی قرار داده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: استقلال نظام قضایی، عملکرد نظام قضایی (سرعت دادرسی، بی-طرفی دادگاه‌ها و ...)، عملکرد پلیس، حمایت از حقوق مالکیت، الزام به قراردادهای، امنیت اجتماعی، میزان وقوع جرایم و بازار سیاه. احتمال وقوع هر یک از این عوامل توسط تدوین کنندگان شاخص بررسی شده و در مجموع یک شاخص کل برای هر کشور محاسبه می‌شود. دامنه تغییرات این شاخص بین ۲/۵- و ۲/۵+ بوده که افزایش مقدار شاخص بیانگر عملکرد بهتر می‌باشد.

پیش از تخمین مدل PSTR، لازم است که محقق از مانایی متغیرها مطمئن شود. بدین منظور، در این مطالعه از آزمون ریشه واحد Levin, Lin and Cho (2002) استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۱) نشان می‌دهد تمامی متغیرها در دوره مورد بررسی مانا می‌باشند.

در این مرحله آزمون‌های خطی بودن، صورت گرفته، به نحوی که تعداد توابع انتقال مشخص گردد. آزمون‌های تشخیصی LM_W ، LM_F و LR در جدول (۲) در سطح معنی‌داری بالا، حاکی از وجود رابطه غیر خطی بین متغیرها بوده و آماره‌های آزمون نبود رابطه غیر خطی باقیمانده نیز بر کافی بودن یک تابع انتقال برای تعیین رفتار غیر خطی متغیرها دلالت دارند.

۱ - داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از سایت بانک جهانی استخراج شده‌اند.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد تابلویی LLC

		متغیرها						
		<i>Gy</i>	<i>rli</i>	<i>ledu</i>	<i>lex</i>	<i>lfd</i>	<i>inf</i>	<i>lopen</i>
آزمون LLC	آماره t	-۱۵/۲۱۴	-۴/۲۳۳	-۱/۸۳۳	-۱/۸۸۴	-۴/۰۶۵	-۲/۵۳۱	-۵/۶۰۷
	احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق

پس از اینکه از وجود رابطه غیر خطی بین متغیرها اطمینان حاصل شد و یک تابع انتقال انتخاب گردید، در ادامه باید تعداد مکان‌های آستانه‌ای ضروری برای مدل نهایی انتخاب شوند. بدین منظور، به پیروی از Colletaz and Hurlin (2006) و Jude (2010)، دو مدل PSTR با یک و دو حد آستانه‌ای تخمین زده شده و برای هر کدام از آن‌ها مقادیر مجموع مجذور باقیمانده‌ها، معیار شوارتز^۱ و معیار اطلاعات آکائیک^۲ محاسبه گردید. در جدول شماره (۳) معیارهای عنوان شده برای هر دو مدل PSTR ارائه شده است. همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد این سه معیار نتیجه واحدی ندارند. در چنین شرایطی به پیروی از Jude (2010)، علی‌رغم وجود اختلاف ناچیز، معیار شوارتز و آکائیک ترجیح داده می‌شوند. لذا مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای انتخاب می‌شود.

جدول (۲): آزمون‌های خطی بودن و نبود رابطه غیر خطی باقیمانده

	m=1			m=2		
	LM_W	LM_F	LR	LM_W	LM_F	LR
$H_0: r = 0 \text{ vs } H_1: r = 1$	۱۷/۲۳۰ (۰/۰۰۸)	۳/۰۰۹ (۰/۰۱۱)	۱۹/۲۵۶ (۰/۰۰۰)	۱۹/۹۰۱ (۰/۰۶۹)	۱/۶۵۶ (۰/۰۹۸)	۲۲/۶۷۳ (۰/۰۰۰)
$H_0: r = 1 \text{ vs } H_1: r = 2$	۹/۷۴۵ (۰/۱۳۶)	۱/۲۷۳ (۰/۲۸۳)	۱۰/۳۵۱ (۰/۱۱۱)	۲۰/۲۰۷ (۰/۰۶۳)	۱/۳۷۷ (۰/۲۰۶)	۲۳/۰۷۴ (۰/۰۲۷)

توجه: m بیانگر تعداد مکان‌های آستانه‌ای و F بیانگر تعداد توابع انتقال می‌باشند. مقادیر احتمال مربوط به هر آماره داخل پرانتز گزارش شده است.

مأخذ: نتایج تحقیق

- 1- Schwarz Criterion
- 2- Akaike Information Criterion

جدول (۳): تعیین تعداد مکان‌های آستانه‌ای در یک تابع انتقال

	مجموع مجذور باقیمانده‌ها	معیار شوارتز	معیار آکائیک
m=1	۴۴۸/۲۷۳	۱/۸۱۵۳	۱/۵۱۵۵
m=2	۴۳۸/۷۸۸	۱/۸۳۸۴	۱/۵۱۷۱

مأخذ: نتایج تحقیق

در این مرحله، مدل PSTR دو رژیم‌ی فوق برآورد شده است که نتایج آن در جدول شماره (۴) آورده شده است. طبق این جدول، پارامتر شیب معادل ۵/۹۲۵ برآورد شده و حد آستانه‌ای شاخص حاکمیت قانون نیز به عنوان نقطه عطف و متمایز کننده دو رژیم بیان شده در مدل PSTR مقدار ۰/۵۱۱- را به خود اختصاص داده است و ضرایب تخمینی از رژیم نخست (متناسب با سطح حاکمیت قانون کمتر از ۰/۵۱۱-) به رژیم بعدی (متناسب با سطح حاکمیت قانون بیشتر از ۰/۵۱۱-) تغییر می‌یابند.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل PSTR

ضرایب <i>rli</i>		ضرایب <i>ledu</i>		ضرایب <i>lex</i>	
α_0	۶/۱۳۴۰ (۲/۱۸۵۴)	β_0	-۰/۵۳۵۰ (-۱/۷۰۲۲)	δ_0	-۰/۱۰۳۰ (-۱/۸۴۸۲)
α_1	۱/۵۵۳۸ (۱/۷۲۰۰)	β_1	۱۷/۳۷۷۶ (۲/۹۵۴۵)	δ_1	۱/۲۲۶۲ (۱/۹۵۳۸)
ضرایب <i>lfd</i>		ضرایب <i>inf</i>		ضرایب <i>lopen</i>	
θ_0	۳/۱۰۷۸ (۲/۱۱۳۶)	ρ_0	-۰/۴۲۱۹ (-۶/۰۳۹۴)	φ_0	۳/۸۰۰۸ (۱/۹۴۴۵)
θ_1	۷/۵۶۷۳ (۲/۱۱۹۱)	ρ_1	۰/۳۷۲۰ (۴/۷۲۸۵)	φ_1	۱/۷۹۴۵ (۱/۷۹۷۳)
رژیم حدی اول: $G(q_{it}; \gamma, c) = 0$					
$Gy_{it} = \mu_i + 6.1340 rli_{it} - 0.5350 ledu_{it} - 0.1030 lex_{it} + 3.1078 lfd_{it} - 0.4219 inf_{it} + 3.8008 lopen_{it}$					
رژیم حدی دوم: $G(q_{it}; \gamma, c) = 1$					
$Gy_{it} = \mu_i + 7.6878 rli_{it} + 16.8426 ledu_{it} + 1.1232 lex_{it} + 10.6751 lfd_{it} - 0.0499 inf_{it} + 5.5953 lopen_{it}$					
$\gamma = 5.925$ $c = -0.511$					

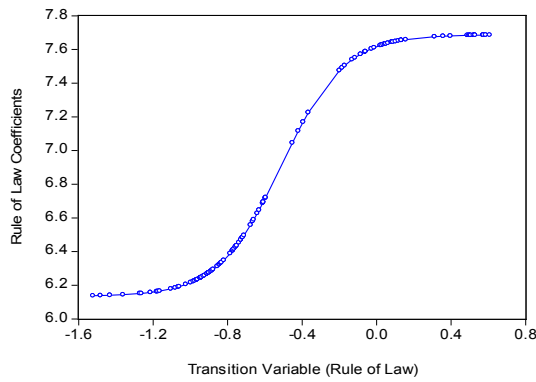
توجه: مقادیر داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t است. γ و c نیز به ترتیب بیانگر پارامتر شیب و حد آستانه‌ای می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق

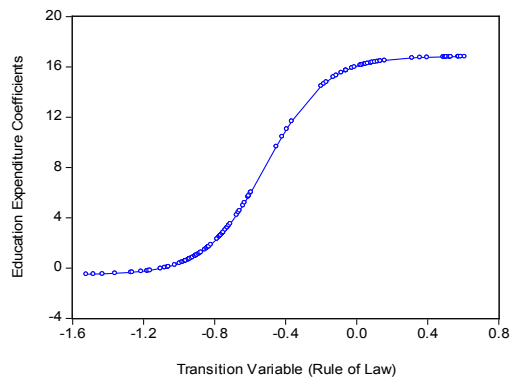
بدیهی است به دلیل وجود مشکل ناهمگنی در ضرایب کشورهای مختلف و ناپایداری پارامترهای تخمینی در طول زمان در داده‌های تابلویی، تفسیر مقدار عددی ضرایب به‌عنوان کشتش غیر معقول است. لذا در تبیین نتایج حاصل از تخمین، صرفاً علایم ضرایب رگرسیونی، شدت و تغییرات آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

نحوه تأثیرگذاری متغیرها در دو رژیم بدین صورت است که شاخص حاکمیت قانون در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که البته شدت تأثیرگذاری در رژیم دوم افزایش یافته است. در خصوص تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی و شدت یافتن اثرش در رژیم دوم و در سطوح بالای حاکمیت قانون، می‌توان بیان کرد که حاکمیت قانون با حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، باعث می‌شود افراد انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری داشته باشند؛ چرا که با حمایت از حقوق مالکیت، مالکان اطمینان خواهند داشت در آینده به سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خود خواهند رسید. حسن اجرای قراردادها نیز اعتماد بیشتری در سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند که هر دو مورد با افزایش سرمایه‌گذاری موجب تسریع در رشد اقتصادی خواهند شد. متغیر مخارج تحصیل در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. در توضیح این تأثیر می‌توان گفت با توجه به اینکه یکی از قوانین موجود، برخورداری همه افراد از آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی می‌باشد، در رژیم اول (سطوح پایین حاکمیت قانون) قانون به‌طور مساوی برای همه افراد اجرا نشده و تبعیضات نژادی، فرهنگی و غیره بین افراد باعث می‌شود تنها قشر خاصی از مردم از این حق بهره‌مند گردند. هم‌چنین، در صورت برخورداری همه افراد از آموزش نیز، به‌خاطر اعمال تبعیضات مردم رغبت چندانی نداشته و کارایی مورد انتظار از این سرمایه‌گذاری حاصل نمی‌گردد. ولی در رژیم دوم قانون به دور از تبعیض قائل شدن بین افراد بطور مساوی برای همه اجرا می‌شود و باعث افزایش بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی شده و در جهت افزایش رشد اقتصادی عمل می‌نماید. نحوه تأثیرگذاری صادرات مواد خام کشاورزی بر رشد تولید ناخالص داخلی بدین صورت است که در رژیم اول، تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت داشته است. در خصوص تأثیر منفی در رژیم اول می‌توان بیان کرد از آنجایی که قانون‌گریزی و زیر پا گذاشتن قانون در این رژیم مشهود می‌باشد و هیچ برخوردی با قانون‌گريزان از طرف سیستم قضایی صورت نمی‌گیرد، این امر موجب استفاده از درآمدهای صادراتی در راه‌های

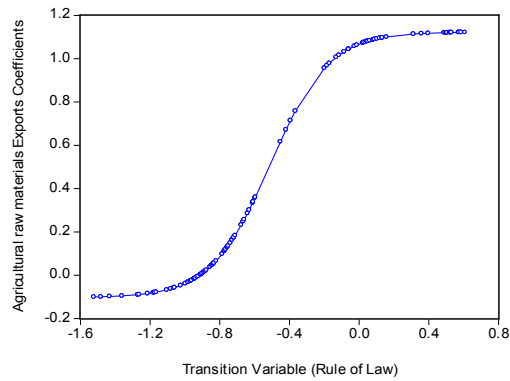
غیرمرتبط با تولید و بعضاً هم محل تولید می‌گردد. ولی در رژیم دوم و در سطوح بالای حاکمیت قانون و اعمال نظارت و کنترل، درآمد حاصل از صادرات این منابع در راه‌هایی که باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شوند، مصرف می‌گردد. شاخص توسعه مالی نیز در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که اثر آن در رژیم دوم شدت یافته است. بر طبق نظریه‌های نهادی، حمایت و اجرای کامل حقوق مالکیت (یعنی حق مالکان دارایی برای استخراج بازده از سرمایه‌گذاری) اصل حیاتی در معاملات مالی است. چون سرمایه‌گذاران بالقوه مایل به سرمایه‌گذاری علی‌رغم وجود ریسک مصادره نیستند، حفاظت از حقوق مالکیت سبب گسترش وسایل و ابزارهای تضمین‌وام-ها، افزایش امکان ورود انواع دارایی‌ها به بازارهای مالی و همچنین افزایش امکان تجمع سرمایه-های کوچک در طرح‌های بزرگ می‌شود. لذا در سطوح بالای حاکمیت قانون، شدت تأثیرگذاری این شاخص بر رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. در مورد نحوه تأثیرگذاری نرخ تورم بر رشد تولید ناخالص داخلی می‌توان بیان کرد که همگام با افزایش سطح حاکمیت قانون (حرکت از رژیم اول به رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری نرخ تورم بر رشد تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد. در توضیح این تأثیر می‌توان بیان کرد در رژیم اول سطوح پایین‌تر حاکمیت قانون باعث می‌شود حقوق مالکیت افراد نادیده گرفته شود که در این صورت افراد انگیزه‌ای برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نخواهند داشت. چرا که مالکان اطمینان ندارند در آینده به سود حاصل از سرمایه-گذاری‌های خود خواهند رسید. این امر با تضعیف انگیزه پس‌انداز موجب تقویت مصرف‌گرایی و افزایش تقاضا برای مصرف می‌شود که آن هم افزایش نرخ تورم را به دنبال دارد. در حالی که در رژیم دوم عکس این حالت اتفاق می‌افتد و باعث کاهش شدت تأثیرگذاری نرخ تورم بر رشد اقتصادی می‌گردد. نهایتاً، نحوه تأثیرگذاری شاخص باز بودن اقتصاد بر رشد تولید ناخالص داخلی بدین صورت است که همگام با افزایش سطح حاکمیت قانون، شدت تأثیرگذاری شاخص باز بودن اقتصاد بر رشد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. در توضیح چنین تأثیری می‌توان به حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها در سطوح بالاتر حاکمیت قانون (رژیم دوم) اشاره کرد که باعث جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و در نتیجه افزایش روابط تجاری و بین-المللی می‌گردد. از این رو در رژیم دوم شدت تأثیرگذاری بیشتر می‌باشد. در ادامه، به نمایش نموداری این روابط پرداخته می‌شود.



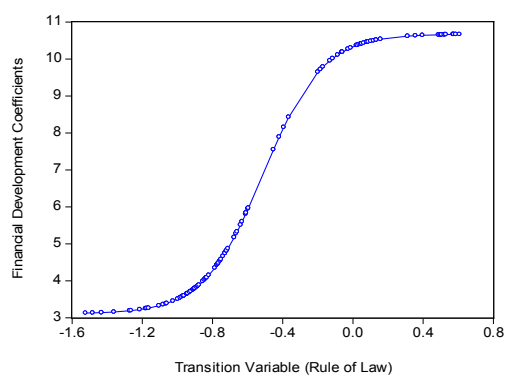
نمودار (۱): ضریب تأثیرگذاری شاخص حاکمیت قانون بر رشد تولید ناخالص داخلی



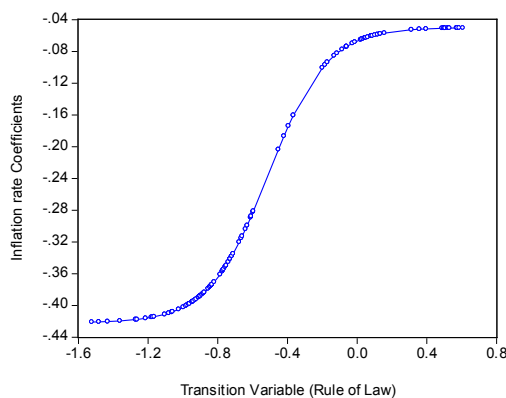
نمودار (۲): ضریب تأثیرگذاری مخارج تحصیل بر رشد تولید ناخالص داخلی



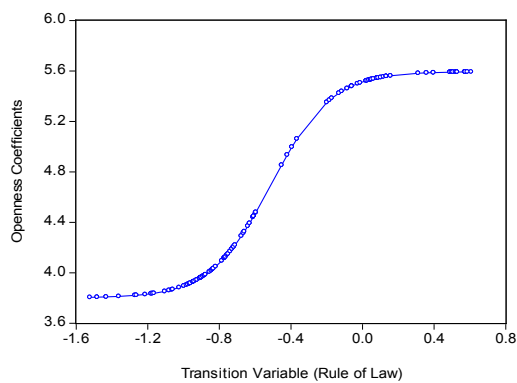
نمودار (۳): ضریب تأثیرگذاری صادرات مواد خام کشاورزی بر رشد تولید ناخالص داخلی



نمودار (۴): ضریب تأثیرگذاری شاخص توسعه مالی بر رشد تولید ناخالص داخلی



نمودار (۵): ضریب تأثیرگذاری نرخ تورم بر رشد تولید ناخالص داخلی



نمودار (۶): ضریب تأثیرگذاری شاخص باز بودن اقتصاد بر رشد تولید ناخالص داخلی

۶- جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که ذکر شد هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر شاخص نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای D-8 طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۶ می باشد. بدین منظور از مدل رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) که توسط Fok et al (2004)، Gonzalez et al (2005) و Colletaz and Hurlin (2006) ارائه و گسترش یافته، استفاده شده است. مدل PSTR استفاده شده در این مطالعه به عنوان برجسته ترین مدل تغییر رژیمی نه تنها یک شکل تابعی خاص و محدود کننده را بر رابطه میان متغیرها تحمل نمی کند، بلکه رابطه غیر خطی محتمل میان متغیرها را با استفاده از تابع انتقال و بر مبنای مشاهدات متغیر آستانه‌ای به شیوه‌ای پیوسته مدل سازی می کند. هم چنین در این مدل مشکل ناهمگنی در پارامترهای تخمینی با امکان تغییر یافتن ضرایب برای کشورهای مختلف و حتی در طول زمان، حل می شود. به هر حال، نتایج تخمینی بر وجود رابطه غیر خطی میان حاکمیت قانون و رشد اقتصادی دلالت می کنند و لحاظ نمودن یک تابع انتقال با یک حد آستانه‌ای نیز جهت تصریح کامل رفتارهای غیر خطی کفایت می کند. نتایج برآورد مدل PSTR نشان می دهد زمانی که شاخص حاکمیت قانون از ۰/۵۱۱- تجاوز می کند، تغییر رژیم اتفاق خواهد افتاد. پارامتر شیب نیز که بیانگر سرعت تعدیل از یک رژیم به رژیم دیگر می باشد، معادل ۵/۹۲۵ برآورد شده است. نتایج مربوط به برآورد ضرایب متغیرهای لحاظ شده در مدل نیز نشان می دهند که حاکمیت قانون در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که با عبور از حد آستانه‌ای و وارد شدن به رژیم دوم، شدت اثرگذاری آن افزایش می یابد. متغیر مخارج تحصیل در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. متغیر صادرات مواد خام در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. اگر چه نرخ تورم در هر دو رژیم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد، اما شدت تأثیر گذارانش در رژیم دوم کاهش یافته است و در نهایت، با اینکه شاخص توسعه مالی و شاخص باز بودن اقتصاد در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند، اما در رژیم دوم شدت تأثیر گذاریشان افزایش می یابد.

همان طور که در این مطالعه ذکر گردید، در حال حاضر نقش و تأثیر نهادها در تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه‌ای که از نظر کیفیت نهادی در سطح مطلوبی قرار ندارند، در

بهبود رشد و توسعه اقتصادی کشورها که یکی از اهداف مهم اقتصاد کلان کشورهای مورد مطالعه است، بسیار مهم تر از تأثیرگذاری سایر متغیرهاست؛ چرا که مبنای توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی می‌باشد. به عبارت دیگر تا زمانی که جامعه به سطح قابل قبولی از توسعه سیاسی نرسد و کیفیت نهادی در حد پایینی باشد، با وجود تمامی امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها، رشد و توسعه اقتصادی میسر نخواهد بود. لذا می‌بایست توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در وهله اول به بهبود کیفیت نهادها معطوف گردد. همان‌طور که در مطالعه ذکر گردید، یکی از مهم‌ترین متغیرهای نهادی که هدف مطالعه حاضر نیز روشن ساختن تأثیر آن بر اقتصاد است، حاکمیت قانون است. از این رو ضروری است اقداماتی در جهت ارتقای سطح شاخص حاکمیت قانون در کشورها صورت گیرد. بدین منظور لازم است سیاست‌هایی در جهت ایجاد و گسترش دستگاه قضایی مستقل، قابل پیش‌بینی و کارآمد، برقراری ثبات در برنامه‌ها و اهداف طراحی شده دولت و عدم تغییر پیاپی سیاست‌ها به منظور قابل پیش‌بینی بودن محیط آینده اقتصادی و سیاسی، ایجاد سازوکارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات، حفاظت از حقوق مالکیت، پیش از تصویب قوانین قرار دادن پیش‌نویس آن در اختیار عموم، اساتید، حقوقدانان، اقتصاددانان و سایر صاحب‌نظران و استفاده از نظرات آنها و نیز فراهم نمودن زمینه‌های فرهنگی و آموزشی پیش از اجرای قوانین، نظارت بر حسن اجرای قراردادها و نیز ایجاد انگیزه برای کارآفرینی و توسعه کسب و کار و اقداماتی از این قبیل، اتخاذ شده تا بدین ترتیب بتوان گامی مهم و اساسی در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار برداشت.

References:

- [1]- Baradaran Shoraka, H., and Malekossadati, S. (2008). Good Governance Development Key of Southwest Asian. *Quarterly of Rahbord*, 1-27 (in Persian).
- [2]- Colletaz, G., and Hurlin, C. (2006). Threshold Effects of the Public Capital Productivity: An International Panel Smooth Transition Approach. *Working Paper, LEO, University of Orleans*.
- [3]- Evrensel, A. (2010). Corruption, growth, and growth volatility. *International Review of Economics and Finance*, 19, 501-514.
- [4]- Fok, D., Van Dijk, D., and Franses, P. (2004). A Multi-Level Panel STAR Model for US Manufacturing Sectors. *Working Paper*, University of Rotterdam.
- [5]- Gonzalez, A., Terasvirta, T., and Van Dijk, D. (2005). Panel smooth transition regression models. *SEE/EFI Working Paper Series in Economics and Finance*, No. 604.
- [6]- Haggard, S., MacIntyre, A., and Tiede, L. (2008). The Rule of Law and Economic

- Development. *Reviews In Advance*, 205-234.
- [7]- Haggard, S. (2010). The Rule of Law and Economic Growth: Where Are We?. *The University of Texas School of Law, Conference on Measuring the Rule of Law March 25-26*, 1-43.
- [8]- Haggard, S., and Tiede, L. (2011). The Rule of Law and Economic Growth: Where are We?. *World Development*, Vol. 39, No. 5, 673-685.
- [9]- Hasan, L. (2010). Rule of Law, Legal Development and Economic Growth: Perspectives for Pakistan. *MPRA Paper*, No. 25565, 1-25.
- [10]- Hashemi, S.M. (1998). Civil Society and Political System. *Legal Research*, No. 23-24, 53-146 (in Persian).
- [11]- Hashemi, S.M. (2001). *Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Dadgostar Publication, Vol. 2, Fifth Edition. (in Persian).
- [12]- Heidari, H., and Saeidpour, L. (2013). Air Pollution and Economic Growth Nexus in Middle East Countries: An Application of panel Smooth Transition Regression Model. *Quarterly OF Energy Economics Review*, 10, No. 38, 50-78 (in Persian).
- [13]- Heidari, H., Alinezhad, R., and Jahangirzadeh, J. (2014). An Investigation of Democracy and Economic Growth Nexus: A Case Study for D-8 Countries. *Quarterly of Economic Development and Growth Research*, 4, No. 15, 41-60 (in Persian).
- [14]- Isazadeh, S., and Ahmadzadeh, A. (2009). The Effect of Institutional Factors on Economic Growth with a Focus on Government Institutions (Cross-country Study for The Period 1996-2005). *Iranian Economic Researches Quarterly*, 13, No. 40, 1-28 (in Persian).
- [15]- Jude, E. (2010). Financial development and growth: A Panel Smooth Regression Approach. *Journal of Economic Development*, 35, 15-33.
- [16]- Komijani, A., and Salatin, P. (2009). The Effect of Governance Governance on Economic Growth in Selected OECD and OPEC Countries. *Quarterly of Economic Modeling*, 2, No. 2, 1-24 (in Persian).
- [17]- Komijani, A., and Salatin, P. (2010). The Effect of Governance Quality on Economic Growth in Iran and Neighboring Countries (Turkey and Pakistan). *Management Journal (Researcher)*, 7, No. 20, 27-41 (in Persian).
- [18]- Krever, T. (2011). The Legal Turn in Late Development Theory: The Rule of Law and the World Bank's Development Model. *Harvard International Law Journal*, 52, 288-319.
- [19]- Levin, A., Lin, C.F. and Chu, C.S.J. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-sample Properties. *Journal of Econometrics*, No. 108, 1-24.
- [20]- Markazmalmiri, A. (2006). *Rule of Law: Concepts, Foundations and Perceptions*. Tehran: Parliament Research Center, Second Edition. (in Persian).
- [21]- Mobarak, A., and Azarpeyvand, Z. (2009). Take The Indicators of Good Governance from The Perspective of Islam and Its Impact on Economic Growth. *Islamic Economics Quarterly*, 9, No. 36, 179-208 (in Persian).
- [22]- Nadiri, M., and Mohammadi, T. (2011). The Effect of Institutional Structures on Economic Growth Using GMM Dynamic Panel Data. *Economic modeling Quarterly*, 5, 3(15), 1-24 (in Persian).
- [23]- Sameti, M., Ranjbar, H., and Mohseni, F. (2011). Analysis of The Impact of Good Governance Indicators on The Human Development Index: The Case of South East

- Asian Nations (ASEAN). *Quarterly of Economic Development and Growth Research*, 1, No. 4, 183-223 (in Persian).
- [24]- Shahabadi, A., and Pourjavan, A. (2010). Governance, Competitiveness and Economic Growth in Selected Countries. *Quarterly of Yas Rahbord*, No. 22, 129-168 (in Persian).
- [25]- Shahabadi, A., and Pourjavan, A. (2012). The Relationship Between Governance and Socio-Economic Development Indicators of Selected Countries. *Journal of Social Sciences of Literature and Human Sciences Faculty of Ferdowsi University of Mashhad*, 9, No. 2, 53-75 (in Persian).
- [26]- Stolper, A.M., Walker, C.S. and Marczak, J. (2006). Rule of Law, Economic Growth and Prosperity. *Report of the Rule of Law Working Group, American Society and Council of the America. New York.*
- [27]- Xu, Y. (2011). An Analysis of the Relationship Between Economic Growth and the Rule of Law: a Lesson from China's Experience. *VISTAS Education, Economy and Community The University of West London Journal*, 1(1), 36-48.
- [28]- Yi Man Li, R., and Lut Li, Y. (2013). Is There a Positive Relationship between Law and Economic Growth? A Paradox in China. *Asian Social Science*, Vol. 9, No. 9, 19-30.